**باسمه تعالی**

**طرح صلای مودت با محوریت کتاب "تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث"**

به حول و قوه الهی مطالب محور دوم یعنی «عوامل تحکیم خانواده»، در کانال معاونت فرهنگی تبلیغی در پیام رسان سروش به نشانی [https://sapp.ir/jz\_m.f.t و در پیامرسان ایتا به نشانی https://eitaa.com/jz\_mft به مرور](https://sapp.ir/jz_m.f.t%20%D9%88%20%D8%AF%D8%B1%20%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%20%D8%A7%DB%8C%D8%AA%D8%A7%20%D8%A8%D9%87%20%D9%86%D8%B4%D8%A7%D9%86%DB%8C%20https%3A//eitaa.com/jz_mft%20%D8%A8%D9%87%20%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B1) بارگذاری شد. با توجه به اینکه طبق خبر اولیه اعلام شده، بنا بود پس از پایان مطالب هر محور، مسابقه آنلاین برگزار شود، لذا جهت دسترسی بهتر خواهران به همه مطالب ارائه شده در این محور، جزوه پیش رو آماده شده است. مرداد 99

**فصل دوم : عوامل تحکیم خانواده**

1. **خوش اخلاقی**
* الإمام الصادق علیه السلام :

إنَّ المَرءَ يَحتاجُ في مَنزِلِهِ وعِیالِهِ إلى ثَلاثِ خِلالٍ يَتَكَلَّفُها وإن لَم يَكُن في طَبعِهِ ذلِكَ : مُعاشَرَةٍ جَمیلَةٍ ، وسَعَةٍ بِتَقديرٍ ، وغَیرَةٍ بِتَحَصُّنٍ .

مرد در (اداره ) خانه و خانواده اش، به سه خصلت نیاز دارد كه بايد آنها را به كار بَرَد، اگر چه اين ويژگی ها در طبیعت (درون) او نباشد: خوش رفتارى ، گشاده دستىِ سنجیده ، و غیرت براى ناموس دارى.

(بحار الأنوار : ج 78 ص 236 ح63)

* الإمام زين العابدين علیه السلام :

أربَعٌ مَن كُنَّ فیهِ كَمُلَ إيمانُهُ ، ومُحِّصَت عَنهُ ذُنوبُهُ ، ولَقِيَ رَبَّهُ وھُوَ عَنهُ راضٍ : مَن وَفى للّه بِما جَعَلَ عَلى نَفسِهِ لِلنّاسِ ، وصَدَقَ لِسانُهُ مَعَ النّاسِ ، وَاستَحیا مِن كُلِّ قَبیحٍ عِندَ اللّه وعِندَ النّاسِ ، وحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ أھلِهِ

چهار خصلت است كه در هركس وجود داشته باشد، ايمانش كامل است، گناهانش از او پاك مى شود و پروردگارش را در حالى ديدار مى كند كه از او راضى است:

1. كسى كه به تعهدات خود در برابر مردم وفا كند.

 2. زبانش با مردم راست باشد.

3. در حضور خدا و مردم، از هر زشتى اى شرم كند.

4. با خانواده اش، اخلاق خوش داشته باشد.

(بحار الأنوار : ج 69 ص 385ح 48)

* رسول الله صلى الله علیه و آله و سلم :

أحسَنُ الناسِ إیماناً أحسَنُهم خُلقاً و ألطَفُهم باَهلِه، وَ اَنا اَلطَفُکم بِاَهلى.

نیكْ ايمان ترين مردمان، كسى است كه خوش اخلاق ترین آنها باشد، و با خانواده اش مهربان تر باشد ، ومن مهربان ترین فرد نسبت به خانواده ام هستم.

عیون أخبار الرضا : ج 2 ص 38 ح 109

* الإمام الصادق علیه السلام :

رَحِمَ اللّهُ عَبدا أحسَنَ فيما بَينَهُ وبَينَ زَوجَتِهِ ، فَإِنَّ اللّهَ عز و جل قَد مَلَّكَهُ ناصِيَتَها، وجَعَلَهُ القَيِّمَ عَلَيها

بخشايش خدا بر آن بنده اى كه با همسرش به نیكى رفتار مى كند ؛ چرا كه خداوند عز و جل زمامِ اختیار او را در دست وى نهاده و او را سرپرست آن زن قرار داده است .

من لا يحضره الفقیه : ج 3 ص 443 ح 4537

* رسول اللّه صلى الله علیه و آله و سلم:

أَقْرَبُکُمْ مِنِّی مَجْلِساً یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَحْسَنُکُمْ خُلُقاً وَ خَیْرُکُمْ‏ لِأَهْلِه

در روز قیامت ، آن كس از شما به من نزديك تر مى نشیند كه خوش خوترينِ شما باشد ، و براى خانواده اش ، بهترين كس باشد.

(بحار الأنوار: ج 71 ص 387 ح 34)

* یکی از عوامل مؤثر در تحکیم خانواده، خوش اخلاقی نسبت به یکدیگر است. مقصود از خوش اخلاقی، برخورداری از ویژگی ها و صفات ارزشمندی است که در کردار و گفتار انسان تجلّی پیدا می کند. خوب شوهرداری کردن یعنی جلب رضایت و موافقت و سازگاری با او، مهربانی، احسان و نیکی کردن، اکرام و احترام نهادن به همسر، رفق و مدارا، خدمت به زن، کمک به شوهر در کارحج و جهاد یا علم آموزی، سلام کردن، شاد کردن خانواده، هدیه آوردن، هم نشینی و باهم غذا خوردن، شکیبایی در برابر بداخلاقی شوهر، شکیبایی در برابر بداخلاقی همسر، تغافل، قناعت، رضا و خرسندی ، و غیرت از مصادیق خوش اخلاقی و مکارم اخلاق در خانواده به شمار می رود که در آیات و روایات زیادی به آن اشاره شده است.

نیک خویی با مردم، به ویژه با همسر و فرزندان، تأثیر عمیقی در شخصیت انسان می گذارد و جامعه و محیط خانواده را آکنده از صفا و صمیمیت می کند.

**آثار خوش اخلاقی**

**۱. ایمان**

گرچه خوش رفتاری از صفات پسندیده ی انسانی است، ولی از آنجا که دین و مذهب در باروری بیشتر صفات اخلاقی کمک می کنند و سفارش ها و توصیه های زیادی در جهت نیک خویی به متدینان دارند از این رو هر کس که از ایمان بیشتر برخوردار باشد، از رفتار نیکو و کرامت های اخلاقی بیشتری بهره مند است.

* پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمودند: الخلق الحسن نصف الدین ؛ خوش اخلاقی نصف دین است. (وسائل الشیعه، ج12، ص 154)

**۲. تمرین**

عادت دادن خود به انجام امور نیک و خوش اخلاقی عامل مهمی در تحکیم اخلاق نیکو است.

* حضرت علی علیه السلام می فرمایند: نفست را به انجام اعمال پسندیده عادت ده.

(شرح غررالحکم، ج4، ص 329)

زن و شوهر در خانواده، باید خود را به عادت های پسندیده اخلاقی وادار نمایند تا ارزش های اخلاقی در آن ها درونی گردد.

**۳. نرم خویی**

یکی از آثار خوش اخلاقی این است که فرد خوش اخلاق، رفتارش توأم با ملاطفت و فروتنی می گردد.

* امام علی علیه السلام می فرمایند: همانا مؤمنان فروتن نرم خویند .

 (شرح غررالحکم، ج4،ص 577.)

در رفتار با همسر، وقتی از روش نرم خویی استفاده می کنید، قدرت انعطاف پذیری شما بالا می رود و عامل مهمی در جلوگیری از اختلافات و درگیری ها در خانواده می شود.

**۴. نرم زبانی**

یکی دیگر از آثار خوش اخلاقی این است که فرد در ارتباطات کلامی، عفت کلام را حفظ کرده، خوش گفتاری پیشه می کند و خشونت در کلام نخواهد داشت. و لذا در باب تبلیغ باید مبلّغ نرم زبان باشد. خدا به موسی علیه السلام و هارون می فرماید:

فَقُولاَ لَهُ قَوْلاً لَیِّناً ؛ پس به نرمی با او (فرعون) سخن بگویید . (سوره طه،آیه ی 44)

* حضرت علی علیه السلام می فرمایند:هنگامی که اخلاق نیکو شود، سخن لطیف گردد.

(شرح غررالحکم، ج 3، ص 143.)

**۵. ایجاد انس و محبت**

یکی از ضرورت های محیط، داشتن محیط انس و محبت است. زن و شوهر با خوش اخلاقی می توانند زمینه های محبت و عشق را در خانواده تقویت نمایند.

* امام علی علیه السلام می فرمایند: خوش اخلاقی برای شما، عامل جلب محبت است.

 (شرح غررالحکم، ج4، ص 288).

**فواید خوش اخلاقی در خانواده**

۱. کانون خانواده گرم می شود.

۲. افراد مجذوب یکدیگر می شوند.

۳. افراد خانواده بیشتر دوست دارند کنار هم باشند.

۴. عوامل های صحبت کردن، زیاد می شود.

۵. ایثار، گذشت، و وفای به عهد افزایش می یابد.

۶. تشکر و قدردانی از یکدیگر بیشتر می گردد.

زندگی روزانه، پر از فراز و نشیب هایی است که موجب نوسان روحیه می شود. حوادث، زمانی انسان را غمگین و ناراحت می کند و گاهی باعث شادی ما می گردد. این جمله در بین مردم رایج است که اغلب مردم تقریباً به همان اندازه ای شاد هستند، که انتظارش را دارند. آنچه که در زندگی ما اتفاق می افتد، زیاد تعیین کننده شادی نیست، بلکه در واقع *نوع واکنش انسان* به رخدادهاست که نقش تعیین کننده دارد.

 **و عاشروهنّ بالمعروف**

قرآن کریم، آیات زیادی را به مسائل زن اختصاص داده و از بیان کوچک ترین مسائل، خودداری نورزیده است. یکی از مسائلی که مورد توجه قرآن است، آداب معاشرت با همسر و زن است . آیه 9 سوره نساء: «و عاشروهن بالمعروف » ، بیان گر این مطلب است که هر گونه ارتباط، برخورد و رفتار شوهر باید به گونه ای باشد که عرف و شرع و رفتار جوانمردانه با آن موافق باشد. پس اعمالی چون سخت گیری در نفقه، آزار و اذیت یا بدخلقی و مانند آن ها، مخالف با معاشرت به معروفی است که قرآن بدان سفارش نموده است.گفته شده که معاشرت به معروف، به معنای رفتار و اعمالی است که خداوند بدان امر نموده است و نیز مراد از معاشرت به معروف، ادا نمودن حقوق زن، چون عدالت در قسمت، نفقه و داشتن رفتار و گفتاری مناسب با اوست.

 (طبرسی، مجمع البیان، ج 3 و 4، ص 35)

**برخی از مصادیق حسن معاشرت**

**حسن خلق**

معنای حسن خلق، خنده رو و گشاده رو بودن نیست، اگر چه این رفتار را نیز شامل می شود; بلکه معنای فراتر از خنده رویی دارد. حسن خلق به معنای "تحمل و سعه صدر" است . حسن خلق به معنای رها نکردن حق و ترک باطل است. (عبدالله جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، مرکز نشر اسراء، ص 158)

### اکرام و احترام به زن

قرآن کریم تمام انسان ها را بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد و ... دارای کرامت می داند و می فرماید: " و لقد کرّمنا بنی ءادم"،(سوره اسراء/آیه 70)که اشاره به این اصل مهم و اساسی است. اما در این میان، اکرام و احترام نسبت به زن جایگاه خاص و ممتازی دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مورد فرموده اند: "ما اکرم النساء الا کریم و لا اهانهن الا لئیم" جز کسی که بهره ای از کرامت برده باشد، زنان را احترام و اکرام نمی کند و به زنان، اهانت نمی کند، مگر انسان پست.( کنز العمال ، ج 16، ص 371، ح44943 ).

در حدیث دیگری وارد شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «الا خیرکم خیرکم لنسائه و انا خیرکم لنسائی.**(** وسائل الشیعه، ج 20; ص 171، ح 11) .بهترین شما مردی است که با زنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش رفتارترم.

### محبت و اظهار آن

اصل مهر و محبت و علاقه همسران نسبت به هم را خداوند متعال، در وجود زوجین، قرار داده است.(سوره روم/آیه 21)

این محبت و علاقه با شروع زندگی مشترک تولد می یابد و با ادامه زندگی، استحکام پیدا می کند و تثبیت می شود. امام صادق ( علیه السلام) در رابطه با اهمیت محبت به زن می فرماید: "من اخلاق الانبیاء حب النساء "از اخلاق پیامبران دوست داشتن زنان است . **(**وسائل الشیعه، ج 20، ص 22، حدیث 2 )

در فرهنگ غنی اسلام، اظهار محبت، یکی از لوازم دوست داشتن است. تا آن جا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:" قول الرجل للمراة انی احبک لایذهب من قلبها ابدا " گفتار مرد به همسرش: « همانا من تو را دوست دارم » ، هرگز از قلب همسرش محو نمی گردد .(همان، ص 23، حدیث 9 .)

### پوشاندن عیوب همسر

زن و مرد در ارتباط و معاشرت با هم باید عیوب یکدیگر را بپوشانند و یکدیگر را از گناه و خطا و اشتباه حفظ نمایند; چنان که قرآن کریم در این رابطه می فرماید: "هن لباس لکم و انتم لباس لهن" ( سوره بقره/آیه 187)

در تشبیه همسر به لباس، نکات جالبی وجود دارد; به عنوان مثال، لباس متناسب با فصل و زمان تغییر پیدا می کند، پس هر یک از دو همسر باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی و روانی همسر خود تنظیم نماید . و یا این که لباس باید در رنگ، دوخت و جنس، مناسب شأن انسان باشد، و یا این که لباس هم موجب حفظ بدن است و هم زینت به حساب می آید و انسان همیشه به آن نیازمند می باشد . البته بین انسان و لباس رابطه ای متقابل وجود دارد . همان گونه که لباس انسان را حفظ می کند، در مقابل، هر فردی موظف به حفظ لباس خویش است. پس زن و مرد باید همانند لباس هم باشند، هم یکدیگر را از خطا و اشتباه حفظ کنند و هم هر یک زینت دیگری به حساب آیند و به یکدیگر افتخار کنند.

### عفو و گذشت

عفو و گذشت تا آن جا اهمیت دارد، که قرآن کریم، عفو و گذشت را از موارد احسان می داند، و فردی که دارای احسان باشد، محبوب خداوند متعال است: "و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین " و از خطای مردم در می گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (سوره آل عمران/آیه 134) زن و مرد، هر دو در مسیر زندگی مشترک، دچار اشتباه می شوند و هر یک باید با گذشت از خطاهای طرف مقابل، فضای گرم و صمیمی خانواده را حفظ نماید، و از طرف دیگر، با عفو و گذشت، محبوب خداوند متعال خواهند شد.

### مدارا کردن

"فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا" و اگر از آن ها (به جهتی) کراهت داشتید (فورا تصمیم به جدایی نگیرید)، چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد. (سوره نساء/آیه 19) در این آیه، به مردان توصیه شده است که نسبت به همسران خود مدارا نمایند; هر چند که مورد پسند و رضای شما نباشند. امام علی ( علیه السلام) در رابطه با مدارا کردن به مردان چنین می فرماید: " فدارها علی کل حال و احسن الصحبة لها لیصفوا عیشک"در هر حال، با همسرت مدارا کن و با او به نیکی معاشرت نما، تا زندگیت با صفا شود. (وسائل الشیعه، ج 20، ص 169، حدیث 3 )

1. **جهادِ زن و شوهر داری نیکو**
* رسول الله صلى الله علیه و آله و سلم :جِهادُ المَرأَةِ حُسنُ التَّبَعُّلِ. جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.(من لایحضره الفقیه: ج 4 ص 416 ح 5904)
* الإمام علیّ علیه السلام: کَتبَ اللهُ الجِهادَ عَلی الرِّجالِ و النِّساءِ، فَجِهادُ الرَّجلِ بَذلُ مالِهِ و نفسِهِ حتّی یُقتَلَ فی سَبیلِ اللهِ، و جَهادُ المَرأةِ أن تصبِرَ عَلی ما ترَی مِن أذی زَوجِها و غَیرَتِهِ. خداوند، جهاد را بر مردان و زنان، واجب کرده است. جهادِ مرد، بخشیدن مال و جان خویش است تا آن که در راه خدا کشته شود، و جهادِ زن، این است که در برابر آزار و اذیت شوهرش و غیرت او صبر کند. (وسائل الشیعه : ج 14 ص 111 ح 6)
* همان طور که گذشت، جهاد ابتدایی فقط بر مردان واجب است و زنان از این وظیفه فارغند. حال باید دید اسلام چگونه این امر را جبران کرده است. در بخش بررسى روایات المیزان حدیثى به شرح زیر آمده است:

اسماء دختر یزید انصارى، نزد رسول خدا شرفیاب شد در حالى که آن جناب در بین اصحاب نشسته بود و عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت باد، من از طرف زنان خدمت شما آمده‌ام. یا رسول الله! جانم به فدایت، بدان هیچ زنى در شرق یا غرب عالم از آمدن من به نزد شما خبردار نشود مگر آن که نظریه‌اش مثل همین نظریه‌اى است که من عرض می‌‌کنم. خداى تعالى شما را به حق به سوى زنان و مردان مبعوث کرد و ما به شما ایمان آوردیم و به معبودت که شما را فرستاده نیز ایمان آوردیم، و ما طایفه زنان محصور در چهاردیوارى خانه‌ها و تحت سیطره مردان هستیم و در عین حال، پایه و اساس زندگى شما مردانیم. این ماییم که شهوات شما را برمى‌آوریم و به فرزندان شما حامله می‌‌شویم. و اما شما مردان در دین اسلام برتری‌هایى بر ما یافته‌اید. شما به نمازهاى جمعه و جماعت و به عیادت بیماران و به تشییع جنازه می‌‌روید. همه ساله می‌‌توانید پشت سر هم به حج بروید و از همه این‌ها ارزنده‌تر این که شما مردان می‌‌توانید در راه خدا جهاد کنید و چون شما به حج، عمره یا جهاد می‌‌روید ما اموال شما را حفظ می‌‌کنیم و براى شما پارچه می‌‌بافیم و لباس برایتان می‌‌دوزیم و اولاد شما را‌ تر و خشک می‌‌کنیم و تربیت می‌‌نماییم پس آیا در اجر و ثواب با شما شریک نیستیم؟

حضرت با شنیدن این کلام جالب، به تمامى چهره خود را به سوى اصحاب برگرداند و فرمود: آیا سخن هیچ زنى را بهتر از سوال این زن در امر دینش شنیده‌اید؟ اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! هیچ احتمال نمى‌دادیم زنى به چنین مطالبى راه پیدا کند. آنگاه رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) متوجه آن زن شد و فرمود:‌ اى زن! برگرد و به همه زنانى که این سوال را دارند اعلام کن که همین که شما خوب شوهردارى کنید، خشنودى او را به دست آورید و تابع موافقت او باشید، اجر همه این‌ها معادل است با اجر همه آنهایى که براى مردان شمردى. زن برگشت در حالى که از شدت خوشحالى مکرر خدا را به وحدانیت و بزرگى یاد می‌‌کرد و **لااله الاالله** و **الله اکبر** می‌‌گفت.

در المیزان ذیل این حدیث آمده:

"اگر کسى در این حدیث و نظایر آن دقت کند، این معنا برایش روشن می‌‌شود که زنان در عین این که در حجابند و مسئولیت شان اداره داخل خانه‌هاست و بیشتر به شؤون زندگى منزلى می‌‌پردازند، در عین حال ممنوع از مراوده و آمد و شد به نزد ولى امر و نیز تلاش در حل مشکلاتى که احیانا پیش می‌آید، نبوده‌اند. از حدیث نامبرده و نظایر آن سه نکته استفاده می‌‌شود:

۱ـ طریقه مورد پسند زن در اسلام، این است که به تدبیر امور داخلى منزل و تربیت اولاد بپردازد و این طریقه در عین این که سنتى پسندیده و غیرواجب است، لکن به خاطر تشویق و ترغیب‌هایى که درباره آن شده، این سنت مستحب همچنان محفوظ مانده است ـ چون مسلمانان در جو تقوا و بدست آوردن رضاى خدا بوده‌اند و ثواب اخروى بر منفعت دنیوى نزد آنان ترجیح داشته است ـ اشتغال زنان به شؤون منزل و اهتمام در زنده نگه داشتن عواطف پاک خدادادى با تربیت فرزندان بر اساس حیا، عفت و عشق و محبت فرصتشان نداد که در مجامع مردان داخل شده و با آنان حتى در حدودى که خدا به آنان اجازه داده بود، اختلاط کنند تا این که بى‌بندوبارى مغرب زمین به عنوان تمدن در بین آنان رخنه کرد و…

۲ـ بدون تردید ممنوعیت زنان از شرکت در امر جهاد ابتدایی، قضاوت و حکومت سنتى واجب بوده و هست.

۳ـ محرومیت زنان از شرکت در جهاد و… را مهمل نگذاشته و آن را به مزیتى برابر آن جبران کرده است. مثلا اگر زنان از فضیلت جهاد در راه خدا محروم شده‌اند، خداى تعالى آن را با فضیلتى معادل، جبران نموده که افتخارى حقیقى است؛ مثلا اسلام، نیکو شوهردارى کردن را جهاد زن قرار داده و شاید این مطلب در بین ما آن طور که هست ارزش خود را نشان ندهد ولیکن در ظرف زندگى که اسلام حاکم بر آن است، هیچ خطى بر خط دیگر برترى ندارد. ساده‌تر بگویم در چنین ظرفى فضیلت آن مردى که در معرکه قتال حاضر می‌‌شود و با کمال سخاوت خون خود را ایثار می‌‌کند از فضیلت زنى که شوهرداریش را انجام می‌‌دهد، برتر نیست و نیز آن مرد حاکمى که سرپرستى جامعه را به دست گرفته، چرخ زندگى مجتمع را می‌‌چرخاند هیچ افتخارى بر آن زن ندارد و آن مردى که بر مسند قضا تکیه زده هیچ برترى نسبت به زنى که کودکش را‌ تر و خشک می‌‌کند، ندارد؛ چون منصب قضاوت و حکومت براى کسى که در آن، طبق حق عمل می‌‌کند، جز خون دل و مشقت دنیوى اثرى ندارد زیرا در ظرف اسلام قبول این مسئولیت‌ها خود را به معرض مخاطر و مهالک افکندن است چون هر لحظه ممکن است حق بیچاره‌اى را که جز رب العالمین حامى ندارد، ضایع کند و خدا در کمین ستمکاران است.

بنابراین چه افتخارى است براى مردان بر زنانى که اگر این مسئولیت‌ها را نپذیرفته‌اند براى این است که رب العالمین از آنان نخواسته و براى آنان خطى دیگر ترسیم کرده است… در مجتمع اسلامى اگر به مرد بگویند تو باید به میدان بروى یا کشور را اداره کنى، به خاطر خدا این بار را بر دوش می‌‌کشد و اگر به زن بگویند تو باید در خانه بمانى و نسل تربیت کنى، او نیز به خاطر خدا قبول می‌‌کند و هر دو افتخار است و هیچ کدام بر دیگرى برترى ندارد."

1. **عیب پوشی در برابر عیب جویی**
* الإمام عليّ علیه السلام : مَن لَم يَتَغافَل ولا يَغُضُّ عَن كَثیرٍ مِنَ الاُمورِ ، تَنَغَّصَت عیشَتُهُ. هر كه از بسیارى امور ، تغافل و چشم پوشى نكند ، زندگى اش تیره مى شود .(غرر الحكم : ح 9149)
* الإمام زين العابدين علیه السلام في وَصِیَّتِهِ لِلإِمامِ الباقِرِ علیه السلام : اِعلَم يا بُنَيَّ أنَّ صَلاحَ شَأنِ الدُّنیا بِحَذافیرِھا في كَلِمَتَینِ : إصلاحُ شَأنِ المَعاشِ مِل ءُ مِكیالٍ ثُلُثاهُ فِطنَةٌ وثُلُثُهُ تَغافُلٌ ؛ لِأَنَّ الإِنسانَ لا يَتَغافَلُ عَن شَيءٍ قَد عَرَفَهُ فَفَطِنَ لَهُ . بدان اى فرزندم ، كه درستىِ كار دنیا ، به طور كلّى ، در دو كلمه است : اصلاح امور زندگى ، ھمانند پیمانه پُرى است كه دو سوم آن ، توجّه و ھوشیارى است و يك سومش چشم پوشى ؛ زيرا انسان، چشم پوشى نمى كند ، مگر از چیزى كه آن را مى داند و متوجّه آن است .

(بحار الأنوار : ج 78 ص 188 ح 33)

* یکی از عوامل موثر در تحکیم خانواده، عیب پوشی و تغافل از اشتباهات و خطاهای همسر است.

زندگی مشترک به طور طبیعی، شرایطی را ایجاب می کند که زن وشوهر بیش از دیگران، در حالات و روحیّات یکدیگر کنجکاو و دقیق شده، موشکافانه عیوب و ایرادهای یکدیگر را مورد توجه قرار دهند.

چنانچه این کیفیت به بازگو کردن این مسائل و عیب جویی یکی از دیگری منجر شود، شادکامی را از صحنه ی زندگی به بیرون می راند و جوّی آکنده از بدبینی و خصومت بر فضای زندگی، حاکم می شود، بزرگ منشی و گذشت، ما را ملزم می کند که نسبت به همسرمان عیب پوشی را به جای عیب جویی برگزینیم و تغافل را که به معنای وانمود کردن بی اطلاعی خود از اشتباه طرف مقابل است، سرلوحه ی مناسبات خود با همسر قرار دهیم.

در روایات و سخنان معصومین (ع)بر اصل تغافل تاکید شده است ازجملهامام علی علیه السلام که می فرمایند:

از برترین صفات اخلاقی انسان های کریم النّفس، تغافل آنها از دانسته های خودشان است. (غرر الحکم ص297)

* قال الإمام عليّ علیه السلام : مَن لَم يَتَغافَل ولا يَغُضُّ عَن كَثیرٍ مِنَ الاُمورِ ، تَنَغَّصَت عیشَتُهُ.

امام على علیه السلام فرمودند : ھر كه از بسیارى امور ، تغافل و چشم پوشى نكند ، زندگى اش تیره مى شود .

(غرر الحكم : ح 9149)

**نکته مهم : البته باید به این نکته توجه نمود که تغافل در همه موارد سازنده نیست بلکه در بعضی از مواقع تذکر مناسب و بجا و پسندیده موجب عدم تکرار اشتباه و خطای طرف مقابل می شود و ممکن است چشم پوشی از آن موجب تزلزل و بی ثباتی خانواده شود.**

**آثار تربیتی و اخلاقی تغافل**

تغافل آثار تربیتی زیادی، هم برای خود فرد و هم برای همسر و در فضای خانواده دارد که ازجمله این آثارعبارتند از :

.1اعتلای کرامت و بزرگواری فرد

تغافل کننده، با هر مورد چشم پوشی از خطای همسر، به نوعی شخصیت خویش را رشد و توسعه می بخشد.

2. فرصت بخشی برای اصلاح خاطی

با چشم پوشی از خطای همسر، فرصتی فراهم می شود که وی به بهبود رفتارش اقدام کند. در غیر این صورت، زمانی که ضربات ویرانگر انتقاد بر وی فرود می آید، هر گونه اراده و جرأت بازسازی، به سستی می گراید.

3. تقویت آرامش خانواده

لازمه ی تغافل نکردن زن و شوهر این است که هر یک کوچکترین ایراد همسرش را به رخ وی بکشد و این مقدمه ای برای باز شدن روی آنها به یکدیگر و زمینه ساز ناسازگاریها و تشنّجهای خانوادگی است. در نتیجه، آرامشی را که همیشه در پی آن بوده ایم، از دست داده ایم و این مغایر با هدف تشکیل زندگی است.

4. پرهیز از اشاعه ی بدی ها و زشتی ها

تغافل و چشم پوشی زن از شوهر و بالعکس، شرایطی را به وجود می آورد که خطای ناچیز و بی اهمیت، پوشیده بماند و زمینه ی امور اخلاقی و معنوی، توسعه یابد.

1. **خدمت به زن**
* رسول اللّه صلى الله علیه و آله و سلم : خِدمَتُكَ زَوجَتَكَ صَدَقَةٌ . خدمتِ تو به ھمسرت ، صدقه است .

(كنز العمّال : ج 16 ص 408 ح 45138)

* و عنه صلى الله علیه و آله و سلم: یا علی؛خِدمَةُ العِیالِ کَفّارَةٌ لِلکَبائِرِ و َتُطفى غَضَبَ الرَّبِّ، وَ مُهُورُ الحُورِ العینِ، و َتَزیدُ فِى الحَسَناتِ و َالدَّرَجاتِ یَا عَلِیُّ لَا یَخْدُمُ الْعِیَالَ إِلَّا صِدِّیقٌ أَوْ شَهِیدٌ أَوْ رَجُلٌ یُرِیدُ اللَّهُ بِهِ خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَه. خدمت به خانواده، کفاره گناهان بزرگ، موجب فرونشاندن خشم الهی، مهریه حوریان بهشتی و موجب فزونی حسنات و درجات است. ای علی (ع)! به خانواده خدمت نمی کند مگر صدّیق یا شهید یا مردی که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را خواسته است. (جامع الاحاديث الشيعة، جلد22، صفحه 306)
* يكى از وظايف اخلاقى مشترك زوجين كه در تحكيم بنيان خانواده، نقش اساسى دارد، يارى رساندن و همکاری آنان در اداره امور زندگى است . روايات اسلامى ، تعبيرهاى بلند و قابل تأمّلى در اين زمينه دارند كه به اين عامل تحكيم ، قداست خاصّى مى بخشند. در حديثی می خوانیم: إنَّ الرَّجُلَ إذا سَقَى امرَأتَهُ مِنَ الماءِ اُجِرَ. مرد ، هر گاه به همسرش آبى بنوشاند ، پاداش مى بَرَد .
و باز مى فرمايد :
المُؤمِنُ يُؤجَرُ في كُلِّ شَيءٍ ، حَتّى فِي اللُّقمَةِ يَرفَعُها إلى فِي امرَأتِهِ .به مؤمن ، براى هر چيزى ، پاداش داده مى شود ، حتّى براى لقمه اى كه در دهان همسرش مى گذارد .

هميارى امام على عليه السلام و سرور زنان جهان فاطمه عليهاالسلام الگوى خوبى در اين زمينه براى جامعه اسلامى است؛ از امام باقر عليه السلام روايت شده است كه مى فرمايد :
تَقاضى عَلِيٌّ وفاطِمَةُ عليهماالسلام إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم فِي الخِدمَةِ ، فَقَضى عَلى فاطِمَةَ بِخِدمَةِ ما دونَ البابِ ، وقَضى عَلى عَلِيٍّ ما خَلفَهُ . فَقالَت فاطِمَةُ : فَلا يَعلَمُ ما داخَلَني مِنَ السُّرورِ إلَا اللّهُ بِإكفائي رَسولُ اللّهِ تَحُمَّلَ رِقابِ الرِّجالِ . على عليه السلام و فاطمه عليهاالسلام براى داورى درباره تقسيم كارهاى خود، نزد پيامبر خدا صلى الله عليه و آله و سلم رفتند . پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم، اين گونه قضاوت كرد كه كارهاى داخل خانه را فاطمه انجام دهد ، و كارهاى بيرون از خانه را على. فاطمه عليهاالسلام فرمود : "از اين كه پيامبر خدا صلى الله عليه و آله و سلم مرا از برعهده گرفتن مسئوليت هاى مردان، معاف ساخت، فقط خدا مى داند كه چه قدر خوش حال شدم"
**نگاه هنجاری اسلام به تقسیم کار جنسیتی**

در خصوص نگاه هنجاری اسلام به الگوی تقسیم کار جنسیتی می توان بی هیچ شک و شبهه ای ادعا کرد که اسلام، اصل این الگو را با قطع نظراز حدود، شرایط و میزان مطلوبیت آن تایید کرده است . به نظر می رسد بهترین بیان برای اثبات این ادّعا، تمسک به سیره ی عملی مسلمانان از صدر اسلام تا زمان حاضر است که اولیای دین نه تنها هیچ مخالفتی با آن نکرده اند، بلکه شواهد و مؤیدات فراوانی از سیره و گفتار پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیه السلام در تأیید آن وجود دارد.

در بخشی از مناطق، رایج این است که تمام کارهای زندگی را زن انجام می دهد و مردها در حلقه های مردانه خود مشغول تفریح و گشت و گذارند. این نوع زندگی در آیین مقدس اسلام مطلوب نیست. اساساٌ نباید چنین ذهنیتی برای مردان وجود داشته باشد که در کارهای زندگی احساس مسئولیت نکنند و تمام کارها را به دوش زنان قرار دهند.

سرانجام در مجموع، کارهای زندگی از کارهای بیرون و درون منزل تشکیل شده است و زن و مرد باید بخشی از آن را به عهده گیرند. بهترین تقسیم کار این است که مرد کارهای خارج از منزل و زن کارهای درون آن را عهده دار شود.

البته نباید از این سخن که اسلام با الگوی تقسیم کار جنسیتی موافقت نموه، برداشتی افراطی صورت گیرد، زیرا الگویی که از سیره ی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیه السلام در این خصوص به دست می آید، به لحاظ تشویق مشارکت بیشتر مردان در انجام کارهای خانگی، حاوی درجه ای از انعطاف پذیری است. در حالات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که آن حضرت به دوشیدن بز در خانه می پرداخت. و در روایتی آمده است "کان امیرالمومنین علیه السلام یحطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمه تطحن و تعجن و تخبز: علی علیه السلام به تهیه ی هیزم، آوردن آب و جارو کردن و فاطمه سلام الله علیها به تهیه ی آرد و خمیر و پختن نان می پرداخت". روایت دیگری نیز متضمن صحنه ای است که در آن، حضرت فاطمه سلام الله علیها در حال آشپزی و حضرت علی علیه السلام در حال پاک کردن عدس بوده است. 1

بنابراین انجام کارهای خارج از منزل مانع از آن نمی شود که مردان نسبت به درون خانه احساس بی مسئولیتی کنند؛ همان گونه که انجام نقش های مقدس خانگی مانع از فعالیت اجتماعی زنان نمی شود. توجه بیشتر زنان به امور خانه و توجه بیشتر مردان در انجام وظایف خود در خانه و اجتماع، مایه ی استحکام خانواده است.

انجام صحیح نقش ها بر اساس الگوی قرآنی "معاضدت و معاشرت به معروف"، از سوی والدین زمینه ی بازتولید صحیح این نقش ها را از سوی فرزندان نیز فراهم می نماید. معاضدت و معاشرت به معروف به این معناست که دو همسر وظیفه دارند به مانند دو بازو به یکدیگر کمک کرده و خانواده را پا برجا نگه دارند .

مهمترین نتیجه این نوع از رفتار ایجاد احساس رضایت نسبت به اجرای نقش هاست. زیرا با مشارکت و یاری، فشار فیزیکی انجام نقش های خاص کمتر شده و با محترم شمردن نقش طرف مقابل، فشار روانی نیز کاهش می یابد. در سایه ی این مشارکت، زنان و مردان می توانند مسئولیت های اجتماعی بیشتری بر عهده گیرند و یا فعالیت های دلخواه خود را در چهار چوب قانون به انجام برسانند.

1. **شکیبایی در برابر بداخلاقی همسر**
* رسول الله صلى الله علیه و آله و سلم :من صَبَرَت عَلی سوءِ خُلُقِ زَوجِها، أعطاها مِثلَ ثوابِ آسِیَه بِنتِ مُزاحِم. هرکس بر بداخلاقیِ شوهرش صبر کند، خداوند، همانند پاداش آسیه، دختر مزاحم (همسر فرعون) به او عطا می فرماید. (بحارالانوار:ج 103 ص 247 ح 30.)
* از دیگر وظایف اخلاقی همسران، تحمّل یکدیگر و صبر در مقابل آزارها و رفتار و گفتار ناپسند یکدیگر است. البتّه هر انسانی باید سعی کند که رفتار و اخلاق نامطلوب همسرش را اصلاح کند، اما نمی توان تمام اخلاق او را تغییر داد و ممکن است بعضی از حالات همسر، مایه ناراحتی و آزار انسان باشد، در این موارد چاره ای جز تحمّل رفتار نامطلوب همسر نیست، زیرا این، بهترین راه برای پیشگیری از آشفتگی زندگی مشترک است.

برای مصون ماندن از درگیری های مستمرّ خانوادگی، باید شخصیت همسر را آن گونه که هست، پذیرفت و با صبوری به زندگی با او ادامه داد، چرا که بسیاری از ناراحتی ها و ناملایمات زندگی که در نظر انسان ناپسند است، به مصلحت انسان بوده، موجبات سعادت و ترقّی او را فراهم می سازد. در زندگی خانوادگی نیز ممکن است بعضی از خصوصیات همسر نامطلوب باشد، اما در نهایت به خیر و صلاح انسان باشد.

**تأثیر ایمان در صبر بر بد خلقی همسر**

مهمترین عاملی که موجب تقویت صبر و تحمّل انسان در قبال رفتارهای آزاردهنده همسر می شود، ایمان اوست. صبر و ایمان از هم جدا نیستند؛ انسان مؤمن بدون داشتن صبر، نمی تواند ایمان خود را حفظ کند. امام صادق علیه السلام صبر را منشأ ایمان دانسته، فرمود:

الصَّبْرُ رَأْسُ الْایمانِ

انسان مؤمن در محیط خانواده همواره این نکته را در نظر دارد و با تحمّل اذیت همسر و رفتار ناشایست او، درصدد ایجاد محیطی سالم است و با صبری زیبا و بدون شکوه از همسر، به زندگی خانوادگی ادامه می دهد. امام صادق علیه السلام در جواب کسی که از «صبر جمیل» سؤال کرد، فرمودند:

ذلِک صَبْرٌ لَیسَ فیهِ شَکوی الَی النَّاسِ

صبر زیبا صبری است که در آن اظهار ناراحتی به مردم نباشد.

**نتایج صبر بر بداخلاقی همسر**

صبر بر بدرفتاری همسر، نتایج اخلاقی و اجتماعی فراوانی دارد که بعضی از آنها به شرح زیر است:

جلوگیری از فروپاشی خانواده

حفظ کانون خانواده از خطر فروپاشی یکی از وظایف خطیر همسران است و تمام تمهیدات اخلاقی خانواده به منظور سعادت زندگی مشترک و در نهایت، جلوگیری از جدایی زن و شوهر در نظر گرفته شده است. طلاق و جدایی، منشأ آفات فراوان در زندگی فردی و اجتماعی افراد و موجب ضایع شدن تربیت کودکان و پیدایش نابسامانیهای بسیار است و اجرای آن از نظر اسلام به عنوان آخرین راه حلّ است، یعنی فقط بعد از ناامید شدن از اصلاح زندگی مشترک و پایان دادن به درگیریها و اختلافات مداوم، می توان آن را طرح کرد و تا زمانی که امید اصلاح و امکان صبر هست، باید از آن پرهیز شود.

اندیشه جدایی معمولًا به دلیل اختلافات فراوان و به امید ازدواج موفّق دیگری پیدا می شود، اما باید دانست که این وسوسه ای بیش نیست. کسی که نتواند با همسر خود بسازد، در ازدواج جدید نیز همین گرفتاری را خواهد داشت.

**قرب الهی**

اثر دیگر صبر بر آزار و بداخلاقی همسر، تکامل روحی و معنوی انسان است. صبر در مقابل اذیت همسر، موجب تقویت صفات عالی اخلاقی چون صبر و خویشتنداری و نیز موجب پاداش اخروی و قرب الهی می شود.

صبر بر بدرفتاری همسر، وظیفه دیگر در زندگی مشترک است که موجب پیشگیری از آشفتگی زندگی خانوادگی می شود و از فروپاشی کانون خانواده جلوگیری می کند.

**اهمیت معاشرت پسندیده با همسر بد خلق**

معاشرت نیکو با همسر بدخلق، نوعی تحمیل بر نفس به شمار می رود که در عین سختی، نتایج بسیار ارزشمند معنوی برای فرد به دنبال می آورد. به عبارت دیگر در رهگذر صبر بر سوء اخلاق همسر و معاشرت پسندیده با وی \_علاوه بر آسیب ناپذیری بنیاد خانواده\_ برکات معنوی متعددی نیز نصیب همسر می شود. درمان رذایل اخلاقی بسیاری از قبیل کبر، غرور، عجب، و .. از راه تعامل صحیح با همسر کج خلق حاصل می شود .

**6. قناعت**

* الإمام علی علیه السلام: أَنْعَمُ اَلنَّاسِ عَيْشاً مَنْ مَنَحَهُ اَللَّهُ تَعَالَى اَلْقَنَاعَةَ وَ أَصْلَحَ لَهُ زَوْجَهُ. خوش ترین زندگی، از آنِ کسی است که خداوند سبحان، به او قناعت بخشیده و همسری شایسته، روزی اش کرده است. (غرر الحکم: ح 3295)
* عنه علیه السلام : أطیَبُ العَیشِ اَلْقَنَاعَةُ. خوش ترین زندگی، در قناعت است. (غرر الحکم:ح 2918)

 **قناعت در زندگی همسران**

* ديگر صفتي که تضمين کننده ي آرامش و سازگاري همسران بوده و نبود آن زمينه ساز سلب آرامش خانوادگي مي شود، ويژگي "قناعت" است.

قناعت در لغت، به معناي تنازل است تا آن جا که فرد حيات خود را با امکاناتي که در دست دارد، منطبق سازد، و از مصداق هاي آن، رضايت دادن به چيزي است که به او مي رسد. در علم اخلاق نيز ملکه قناعت، ضد « حرص » و حالتي نفساني دانسته شده است که باعث مي شود آدمي به قدر حاجت و ضرورت اکتفا کند و در تحصيل فضول از مال زحمت نکشد.

قناعت از چنان اهميتي در زندگي برخوردار است که امام زين العابدين (عليه السلام) در پاسخ به فردي که از ايشان جوياي برترين اعمال شده بود، فرمودند: « هو ان يقنع بالقوت ...؛ (3) برترين عمل اين است که به آنچه در دست تو است، قانع باشي ».
اين صفت، از صفات ممتاز اخلاقي به شمار مي آيد و به حسن رابطه ي فرد با مولاي خود مي انجامد. علاوه بر اين، در استحکام بنياد خانواده اهميّت خاصي دارد و آثار مهمي بر آن مترتب مي شود.

**آثار قناعت در زندگي خانوادگي**

مهم ترين نتايج ارزشمند قناعت که بر آرامش همسران نيز سايه گستر مي شود، عبارت است از:

 آسايش

اکتفا کردن فرد به امکانات موجود، بسياري از نگراني ها را از زندگي مشترک دور مي سازد. مرد يا زني که به همسر خود به عنوان دارايي موجود خود نگاه مي کند و او را بدون مقايسه با نقاط قوت ديگران مي نگرد، در حقيقت آرامش خود را تأمين کرده است. همچنان که افرادي که تنها نقاط ضعف همسر خويش را در نظر مي گيرند و آن را با نقاط قوت ديگران مقايسه مي کنند، همواره روحي ناآرام دارند. ديگر امکانات زندگي نيز، همين طور است. کساني که به آنچه دارند، راضي اند و خود را براي تحصيل آن چه ندارند، به زحمت نمي اندازند يا در افسوس نداشتن آن به سر نمي برند، زندگي را با روحي آرام و به دور از نگراني مي گذرانند. در حديثي از اميرمؤمنان (عليه السّلام) آمده است: « الرضا ينفي الحزن؛ (7) رضايت و قناعت اندوه را از بين مي برد ».

برخورداري از زندگي گوارا

آسايشي که از قناعت سرچشمه گرفته است، زمينه ي برخورداري همسران از زندگي دلپذير و گوارا را فراهم مي سازد. عن الصادق (عليه السّلام): خمس من لم يکن فيه لم يتهنأ العيش الصحة و الا من و الغني و القناعة و الانيس الموافق؛ (8) کسي که پنج چيز در او نباشد، زندگي برايش گوارا نيست؛ سلامت، امنيت، بي نيازي، قناعت و همسر موافق.
در روايتي ديگر قناعت مصداق حيات طيبه دانسته شده است:
سئل علي (عليه السّلام) عن قوله تعالي فلنحيينّه حياةً طيبةً فقال: هي القناعة؛ (10) از امير مؤمنان (عليه السّلام) درباره ي سخن خداوند متعال که فرمود: ما به او حيات طيبه عطا مي کنيم، پرسيده شد. پس حضرت فرمودند: حيات طيبه، قناعت است.
همه ي اين تعابیر نشان مي دهد که فرد قانع، از همسر، از امکاناتي که در اختيار دارد و از همه مهم تر از خداي خود راضي است و بر اساس اين رضايت، ضمن آن که باطني آرام دارد، اعضا و جوارح خود را نيز براي دسترسي به آنچه ندارد، به زحمت نمي اندازد.

 عزت

عزّت و نفوذ ناپذيري، ديگر اثر ارزشمند قناعت است. فردي که به آنچه دارد قانع نيست، همواره درصدد آن است که کمبودهاي مادّي خود را برطرف سازد. مي دانيم که اين کمبودها بي انتهاست. از طرف ديگر تأمين اين نيازها در موارد زيادي، درخواست از ديگران را در پي دارد؛ از اين رو دست يافتن به آنچه که فرد در اختيار ندارد، مستلزم ابراز نياز مداوم به ديگران است و اين همان چيزي است که عزّت و نفوذ ناپذيري فرد را به شدّت به خطر مي اندازد.

 اصلاح نفس

علاوه بر آثار فردي قناعت که به آن اشاره شد، اين صفت از مهم ترين زمينه هاي خودسازي قلمداد مي شود. صفت ناپسند حرص که سرچشمه بسياري از رذايل اخلاقي است، با قناعت درمان مي شود. در جايي ديگر، از قناعت به عنوان بيشترين ياري دهنده فرد در جهت اصلاح نفس ياد کرده اند: « اعون شييء علي صلااح النفس القناعة؛ (18) کمک کارترين عامل بر اصلاح نفس قناعت است ».
**راهکار عملی برای ملکه شدن صفت قناعت**

1. انسان قانع در وهله اول سبد نیازهایش را می کاود. نیازهای واقعی را شناسایی و آنها را از نیازهای کاذب جدا می کند. بین نیازهای واقعی نیز اولویت گذاری می نماید .
2. در وهله دوم برای اتصاف به صفت قناعت می بایست بزرگی و سیطره ی چیزهایی را که واقعا بزرگ نیست از دل زدود.
3. تمرین عینی و خارجی در جهت دسترسی به قناعت. امام علی علیه السلام در حدیثی می فرماید: من تقع قنع کسی که خود را به قناعت وادارد، قانع می شود. واداشتن به قناعت یعنی این که بر خلاف میل باطنی، خود را در موقعیت رفتاری انسان های قانع قرار دهد؛ این کار که با کوشش زیاد انجام می گیرد نوعی شبیه سازی رفتاری است. باید نگریست که فرد قانع چگونه حرکت می کند و خوردن و آشامیدن، لباس پوشیدن، مهمانی دادن، مهمانی رفتن، خرید کردن، چیدمان خانه، واکنش نسبت به حادثه ها و به طور کلی سبک زندگی او چگونه است. سپس همان را تا مدتی تقلید و تمرین نماید. این کار در رسیدن به ملکه ی قناعت کمک می کند.

دقّت در آثار ارزشمند فردي و اجتماعي که براي قناعت بر شمرده شد، ما را به اين نتيجه رهنمون مي سازد که براي برخورداري از زندگي راحت، طيّب، زيبا، همراه با عزّت و صلاح نفس، بايد هم خود قناعت پيشه کنيم و هم فرد قانعي را به همسري برگزينيم. اين ايده آل ترين شرايطي است که طبق آن مي توان اهداف فوق را دنبال کرد و به آن دست يافت.

1. **نقش دین در تحکیم خانواده**
* الإمام علی علیه السلام: کانَتِ‏ الْفُقَهَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ إِذَا کَتَبَ‏ بَعْضُهُمْ‏ إِلَی‏ بَعْضٍ‏ کَتَبُوا بِثَلَاثَةٍ لَیْسَ‏ مَعَهُنَ‏ رَابِعَةٌ، مَنْ‏ کَانَتْ‏ هِمَّتُهُ‏ آخِرَتَهُ‏ کَفَاهُ‏ اللَّهُ‏ هَمَّهُ‏ مِنَ‏ الدُّنْیَا وَ مَنْ‏ أَصْلَحَ‏ سَرِیرَتَهُ‏ أَصْلَحَ‏ اللَّهُ‏ عَلَانِیَتَهُ‏ وَ مَنْ أَصْلَحَ فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ النَّاسِ. هنگامی که فقیهان و عالمان به همدیگر نامه می‌نوشتند، سه چیز را یاد آور می‌شدند که چهارمی نداشت: هرکس همتش به آخرتش باشد، خداوند او را از دنیا هم کفایت می‌کند، و هرکه درونش را اصلاح کند، خداوند ظاهرش را اصلاح می‌نماید و هرکس میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند بین او و مردم را اصلاح می‌نماید.(الکافی ج8ص307 ح477)
* عنه علیه السلام : صيِّرِ اَلدِّينَ جُنَّةَ حَيَاتِكَ وَ اَلتَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِك. دین را در زندگی ات سپر قرار ده، و پرهیزگاری را ساز و برگ پس از مرگت. (غررالحکم:ح5858)
* یکی دیگر از عوامل مهم در تحکیم روابط زن و مرد، اعتقادات و پای بندی هر دو به مسایل دینی، شرعی و احکام مقدس اسلام است. لذا وقتی حضرت زهرا علیها السلام با حضرت علی علیه السلام ازدواج کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روز بعد از عروسی به دیدار دخترشان رفتند و سؤال کردند که دخترم همسرت را چگونه یافتی، حضرت فاطمه علیها السلام عرض کردند: « خیر بعل » او بهترین همسر است. همین سؤال را از دامادشان، حضرت علی علیه السلام پرسیدند و پاسخ را شنیدند: « نعم العون علی طاعه الله ». بهترین کمک دهند در اطاعت از خدا.
در خانوده هایی که زن و مرد به فرایض دینی و مسایل شرعی پایبندی دارند به خاطر دینداری در هیچ زمانی به یکدیگر ظلم نمی کنند.
امام صادق علیه السلام:
" مردی که با زنی به خاطر دینداریش ازدواج کند خدای متعال به او خیر و جمال و کمال عطا خواهد نمود ".
 چنین گرایشی در امر ازدواج، برخاسته از نهاد پاک و فطرت کمال جوی انسان است و از همین روست که خداوند متعال بهترین ازدواج را وصلت پاکان و متقیان با یکدیگر می داند و در سوره ی نور آیه ی 26 می فرماید: وَ الطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِینَ وَ الطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّبَاتِ .زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاکند.
 خصلت های پاک بشری- این عظیم ترین سرمایه های وجود- ناشی از خداباوری و تقوا پیشگی است و تقوا پیشگی نیز حاصل توحید و معاد اندیشی. به بیان دیگر در نزد زنان و مردان پاکدل، ارزشمندترین معیار برای انتخاب همسری همراه و همدلی نیک سرشت، خداپرستی و معادباوری است، و این خصایص از گران قدرترین و پایدارترین جاذبه ها در زندگی زناشویی است.
محبت، عشق و علاقه در سایه ی ایمان به خدا حاصل می گردد، زیبایی، پول و امکانات مادی و پست و مقام، محبت ایجاد نمی کند؛ بلکه خداوند برای زنی که عفیف، پاکدامن، متین و تقوا پیشه باشد زمینه ای به وجود می آورد که شوهرش او را دوست بدارد و متقابلاً برای مرد متدین، با تقوا و دین باور، متعهد و پاکدامن که چشم خود را از نامحرم بپوشد، خداوند کاری می کند که همسرش او را دوست داشته باشد. گناه و بی تقوایی عامل تنفر است. خداوند می فرماید:
 وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْکاً . . .
دوری از یاد و ذکر خدا زندگی را بر انسان سخت می کند.
در مقابل، ایمان به خدا و تقوای الهی و عمل صالح ایجاد محبت می نماید:
 إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدّاً
به درستی که، کسانی که ایمان به خدا می آورند و عمل صالح انجام می دهند، خدا آنان را نزد مردم محبوب قرار می دهد.
زن و مردی که در محیط خانواده به ارزش های اخلاقی و دینی پایبندی دارند و به نماز اول وقت اهمیت داده، و اهل دعا و مناجات با خدا و اهل بیت علیهم السلام هستند و مرتب قرآن قرائت می کنند، حضرت حق نسبت به آن ها عنایت خاصی دارد. اما خانواده هایی که زن و مرد پایبندی به اصول دینی و ارزشهای اخلاقی نداشته و دایم با پخش نوار موسیقی و فیلم های مبتذل احساس سرخوشی کاذب می کنند به هیچ وجه روی خوشی و صحت واقعی را نمی بینند. لذا یکی از عوامل تحکیم خانواده، ایمان به خدا و دین داری زن و مرد است:
"نوروا بیتکم بتلاوه القرآن " خانه هایتان را به تلاوت قرآن نورانی کنید.
1. **پاسداشت حقوق**

حق زن بر شوهر (وظیفه مرد)

* الإمام زین العابدین (علیه السلام): أمّا حَقُّ الزَّوجَهِ، فَأَن تَعلَمَ أنَّ اللّهَ عَزَّ وجَلَّ جَعَلَها لَکَ سَکَنا وانسا، فَتَعلَمَ أنَّ ذلِکَ نِعمَهٌ مِنَ اللّهِ عَزَّ وجَلَّ عَلَیکَ، فَتُکرِمَها وتَرفُقَ بِها. حقّ همسر، این است که بدانى خداى عز و جل، او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و بدانى که این، خود، نعمتى است از جانب خداوند عز و جل به تو. پس، او را گرامى بدارى و با او مهربان باشى.(من لایحضره الفقیه:ج2 ص 621 ح 3214.)

حق مرد بر همسرش (وظیفه زن)

* رسول الله صلى الله علیه و آله و سلم: حَقُّ الزَّوجِ عَلَى الزَّوجَهِ ألّا تَهجُرَ فِراشَهُ، وأن تَبَرَّ قَسَمَهُ، وأن تُطیعَ أمرَهُ، وألّا تَخرُجَ إلّا بِإِذنِهِ، وألّا تُدخِلَ عَلَیهِ مَن یَکرَهُ. پیامبر خدا صلى الله علیه و آله و سلم: حقّ شوهر بر همسرش، این است که بسترش را ترک نکند، سوگندش را قبول کند، از فرمانش اطاعت کند، جز با اجازه او از خانه، بیرون نرود، و کسى را که شوهرش خوش نمى‏دارد، به خانه‏اش راه ندهد.(کنزالعمّال: ج16 ص 335 ح44787.)
* پنجمین عامل از عوامل مهم تحکیم خانواده، آشنایی زن و مرد، به حقوق همسر خود است.

حقوق زن و مرد دو نوع است: حقوق مشترک زن و مرد و حقوق اختصاصی زن و مرد. دختران و پسران، باید قبل از ازدواج با این حقوق آشنا شوند و بدانند در مقابل یکدیگر چه وظیفه ای دارند. در مقابل هم چه مسئولیتی دارند. مسلماً با آشنایی زن و مرد نسبت به حقوق یکدیگر، سطح توقعات آنان، پایین خواهد آمد

الف : حقوق اختصاصی زن

۱. تأمین لباس، خوراک، مسکن، و وسایل منزل به طوری که مطابق با شأن و آبروی زن باشد.

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خوراک و لباس زن به طور معمول بر مرد واجب است. ( جامع السعادات، ج ۲، ۱۴۱.)

۲. آمیزش و مباشرت را بیشتر از چهار ماه ترک نکند؛ مگر این که خود زن به ترک آن راضی باشد و یا مرد مسافرت واجب و لازمی رفته باشد؛ مثل حج و کسب معاش.

۳. وسایل راحتی و سعادت خانواده را فراهم کند.

۴. احترام به زن و دوری از حرف های زشت و ناسزا.

۵. خارج از توانایی زن، از زن توقع نداشته باشید.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: حسن جانم، کارهایی که خارج از طاقت زن است به او واگذار نکن، زیرا زن مانند شاخه گلی است و قهرمان و کار آزموده نیست. ( نهج البلاغه، نامه ۳۱.)

۶. صبور بودن مرد در برابر بد اخلاقی زن

۷. مرد خود را در مقابل زن پاکیزه و نظیف گرداند.

۸. خوش زبانی با همسر

۹. امر به معروف و نهی از منکر

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکُمْ وَأَهْلِیکُمْ نَارًاای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتش نگه دارید. (سوره ی تحریم، آیه ی ۶.)

۱۰. اگر زن صاحب دختر شد مرد، زن را به خاطر تولد دخترش سرزنش نکند.

ب) حقوق اختصاصی مرد

۱. تسلیم بودن در برابر تمایل جنسی مرد (تمکین کردن)

۲. برای شوهر آرایش و خود آرایی نماید.

۳. بدون اجازه از خانه بیرون نرود.

پیامبر گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر زنی بی اجازه شوهر از خانه بیرون رود، تمام فرشتگان آسمان و زمین تا به خانه بر می گردد او را لعن و نفرین می کنند. (وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۵.)

۴. شوهر خود را آزار و اذیت نکند.

پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلم فرمودند: معلون است معلون است زنی که همسرش را بیازارد و سعادتمند است کسی که شویش را احترام کند و او را آزار ندهد و در همه حال مطیع او باشد. (نکاح مستدرک، باب ۶۰، خ ۱۲)

۵. خانه داری و خدمت به شوهر

پیامبر عظیم الشأن صلّی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر زنی غذای خوشمزه و گوارا برای شوهرش تهیه کند، خداوند در بهشت خوراکی های رنگارنگ برایش تهیه می کند. ( مستدرک الوسائل، ج۱۴ ، ص ۲۴۷.)

۶. احترام به شوهر و خوشرفتاری با وی.

۷. بدون اجازه و اطلاع شوهر در مال او تصرف نکند.

پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلم فرمودند:زن نباید بدون اجازه، مال شوهرش را به کسی بدهد، اگر چنین کند. گناهش مال زن است و ثوابش از آن شوهر. (وسایل الشیعه، ج ۷ ، ص ۱۱۲.)

ج) حقوق مشترک زن و مرد

۱. حق احترام متقابل زن و مرد به یکدیگر؛

۲. حق محبت و عشق ورزی به هم و صمیمیت دو جانبه؛

۳. حق تراضی جنسی؛

۴. حق عیب پوشی؛

۵. حق راز داری و حفظ اسرار یکدیگر؛

۶. حق مشورت کردن؛

۷. حق تشکر از زحمات یکدیگر؛

۸. حق احترام به والدین و اقوام یکدیگر؛

۹. حق رسیدن به وضع ظاهر؛

۱۰. حق پایبندی به اصول اخلاقی؛

(راستگویی، صداقت، وفای به عهد، امانت داری)

۱۱. حق تعدیل خواسته ها؛

۱۲. حق دینداری و حفظ ارزش های دینی و اخلاقی؛

۱۳. حق اعتماد متقابل؛

۱۴. حق حفظ شخصیت یکدیگر؛

۱۵. حق تربیت فرزندان.

**پی نوشت:**

1. المیزان، ترجمه، ج۴، ص۵۵۴-557
2. کتاب خانواده متعال دکتر محمدرضا شرفی
3. . کتاب "خانواده در اسلام" دکتر حسین بستان نجفی
4. کتاب "همسران سازگار" علی حسین زاده
5. کتاب "مهارت های زندگی با رویکرد دینی" فریبا علاسوند
6. کتاب اخلاق خانواده- جلد2 -علیرضا فاخری
7. کتاب نسیم عشق: عوامل تحکیم و تزلزل خانواده، علی محمد رفیعی محمدی،
8. کتاب زن و خانواده، زهرا آیت اللهی.